

کیهان

بسنده کردن به اندک خویش به‌ویژه در مصارف اقتصادی، در فرهنگ اصطلاحات اقتصادی اسلام به نام قناعت تعبیر شده است. رضایت به داشته‌ها به دور از هر گونه طمع و حرص، از مهم‌ترین فضایل اخلاقی در حوزه مصرف اقتصادی است؛ زیرا روحیه قناعت موجب می‌شود تا انسان با عفت نفس، به آنچه دارد بسنده کرده و برای چرب و نرم بیشتر، دست نیاز به سوی دیگران دراز نکند و دچار خفت و خواری سوال نشود؛ زیرا کسی که به اندک بسنده نکند، نه تنها به زیاد بسنده نخواهد کرد، بلکه همواره چشم به مال و ثروت دیگران داشته و برای کسب آن خود را به خواری و ذلت می‌اندازد؛ اما اگر به همان داشته‌های ولو اندک خویش بسنده کند، عزت نفس خویش را صیانت کرده و هر گز خوار و ذلیل نشود و حرص و طمع در او پیمیرد. در مطلب حاضر مفهوم قناعت و آثار آن تشریح شده و به این شبهه پاسخ داده شده که آیا قناعت با تلاش و کوشش بیشتر منافات دارد؟ * * *

قناعت در مصرف یا تولید؟!

قناعت از ریشه قاع در لغت، بسنده کردن به اندک از امور دنیایی است که مورد نیاز انسان باشد.(مفردات الفاظ قرآن کریم، راجع اسفزاری، ص ۶۸۵، قنغ. قناعت در اصطلاح علم اخلاقی، ملکی‌ا نفسانی است

قناعت و آثار آن در زندگی

حسن بابایی

که فرمود: ... الْقَانِعُ الَّذِیْ یُرِضِیْ بِمَا أُعْطِیَتْهُ وَ لَا یَسْخَطُ وَ لَا یَتَلَخَّرُ وَ لَا یَلْوِیْ شَذَقَةً غَضِیْبًا، وَ الْمُعْتَزُّ الْمَالُ بِکَ لِطَعْمُهُ؛ قانع محتاجی است که به آنچه به او می‌دهی راضی شود و غضبناک نگردد و چهره درهم نکشد و دهانش را از روی خشم، کج نکند و معتز کسی است که از کنار تو عبور می‌کند تا نظری بر او افکنی و به او غذایی دهی. (الکافی، ج ۴، ص ۴۹۹؛ من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۴۹۳؛ وسائل‌الشیعه، ج ۴، ص ۱۶۷)

به هر حال، قانع بر اساس آنچه اهل‌اللبت(ع) در بیان آن فرموده‌اند، نیازمندی است که به هرچه به دستش داده شود، بسنده می‌کند. این حالت ناظر به حوزه مصرف است، نه تولید؛ لذا، در تضاد با حوزه تولید و کار و کوشش نیست. بنابراین، شخص می‌تواند قانع در مصرف باشد و به همانچه در دست دارد برای مصرف بسنده کند، و دست به سوی دیگری برای بهبود وضعیت خویش دراز نکند، ولی برای بهبود کار و زندگی‌اش تلاش کند.

پس اگر اصطلاح قناعت به حوزه مصرف توجه دارد، باید گفت که آثانی دیگر همین معنا را می‌رساند، از جمله آیه: گفت: هفت سال پی‌درپی می‌کارید؛ پس از آنچه دور کردید- جز اندکی را که می‌خورید- باقی را از خوشاشی واگذارید.(یوسف، آیه ۴۷) به این معنا است که انسان باید کار و تلاش در تولید داشته باشد، ولی در هنگام مصرف میانه‌روی و قناعت را در پیش گیرد تا از مشکلات عبور کند. از ایسن آیه و همانند آنها می‌توان دریافت که از نظر قرآن، بهترین سبک زندگی اقتصادی این است که انسان می‌بایست در تولید بسیار فعال و پر کار و پرتلاش وارد شود تا بیشترین تولیدات از جمله در حوزه کشاورزی و امنیت غذایی داشته باشد؛ اما در مصرف مواد غذایی می‌بایست تعادل را در نظر گیرد و هرگز اسراف و تبذیر نکند، بلکه در حوزه مصرف، به اندک آن بسنده نماید تا بخشی را برای آینده ذخیره کند چرا که فردا هم روز خدا است. کسی که در مصرف قناعت نداشته باشد، با مصرف زیاد در یک روز یا ماه، ممکن است برای روزها و ماه‌های

باید گفت که آثانی دیگر همین معنا را می‌رساند، از جمله آیه: گفت: هفت سال پی‌درپی می‌کارید؛ پس از آنچه دور کردید- جز اندکی را که می‌خورید- باقی را از خوشاشی واگذارید.(یوسف، آیه ۴۷) به این معنا است که انسان باید کار و تلاش در تولید داشته باشد، ولی در هنگام مصرف میانه‌روی و قناعت را در پیش گیرد تا از مشکلات عبور کند. از ایسن آیه و همانند آنها می‌توان دریافت که از نظر قرآن، بهترین سبک زندگی اقتصادی این است که انسان می‌بایست در تولید بسیار فعال و پر کار و پرتلاش وارد شود تا بیشترین تولیدات از جمله در حوزه کشاورزی و امنیت غذایی داشته باشد؛ اما در مصرف مواد غذایی می‌بایست تعادل را در نظر گیرد و هرگز اسراف و تبذیر نکند، بلکه در حوزه مصرف، به اندک آن بسنده نماید تا بخشی را برای آینده ذخیره کند چرا که فردا هم روز خدا است. کسی که در مصرف قناعت نداشته باشد، با مصرف زیاد در یک روز یا ماه، ممکن است برای روزها و ماه‌های

برای درک بهتر معنا و مفهوم قرآنی قناعت، بهتر است که تأمل بیشتری در آیات و روایات شود تا معلوم شود که آیا قناعتی که در قرآن و روایت بیان شده با تکلیف کار و تلاش برای آبادانی زمین در تضاد و تناقضی است یا نه؟ خدا در قرآن یکی از شعارهای الهی را قربانی در حج دانسته است. آنگاه بیان می‌کند که این قربانی به کسانی داده شود که این خصوصیت را داشته باشند: وَأَطِيعُوا أَمْرًا وَالْمُعْتَزِّ

وقف، گره زند دنیا به آخرت است و با چنین عملی،

دنیای فلانپذیر صیغهای اخروی پیدا کرده و تا قیامت، خیرات و برکات مادی آن نصیب جامعه و ثواب اخروی آن در نامهٔ اعمال واقف ثبت و ضبط می‌شود. به بیان دیگر، قناعت یکی از مصادیق بارز باقیات‌الصالحات و شاید مهم‌ترین آن باشد. از گذشته اقرار خیر و متحول بوده‌اند که نگاهشان محدود به دنیا نبوده بلکه آخرت را نیز در نظر داشته و اموالشان را در کارها و راهمای نیک و شایسته وقف کرده‌اند

تاریخچه وقف به زمان پیامبر(ص) بازمی‌گردد و شخص رسول‌الله نیز بوده و موقوفاتی از خویش بر جای گذاشته است. احادیث بسیاری بر این مطلب وجود می‌دهد، از جمله این حدیث: عبیدالله حبیبی و محمدبن مسلم گویند: از امام صادق(ع) درباره موقوفات پیامبر اکرم(ص) و فاطمه(س) سؤال کردیم: امام فرمود: موقوفات آنها برای فرزندان‌هاشم و فرزندان مطلب بود (افا حسین بروجردی، منابع فقه شیعه، ترجمه جامع احادیث الشیعه، ج ۲۴، ص ۲۳۳) این حدیث تصریح دارد که از شخص پیامبر(ص) و حضرت زهرا(ع)موقوفاتی برجای مانده است.

شرایط و کیفیت و کمیت مال وقفی در وقفنامه ذکر می‌شود. به بیان دیگر، وقفنامه، شناسنامه یک وقف است که در آن اطلاعاتی دربارهٔ واقف، املاک موقوفه، محل مصارف وقف، نظارن، متولیان و شاهدان وقف ثبت و ضبط شده است. (سید کریمی، نگاهی به دو وقفنامه حاجیه خاتم تاج ماه بیگم، خاجه مرجان و صوفیان، ص ۳۱۱) مال وقف‌شده باید طبق شرایط و ضوابطی که واقف تعیین کرده است جریان یابد. در حدیث وارد شده است که محمدبن‌حسن صفار طای نامهای به امام حسن‌بن‌علی(ع)‌در بهره‌ر واقف و روایاتی که از پسران آن امام در این خصوص رسیده است سؤال کرد. امام با نامهای پاسخ داد: وقف‌ها (موقوفات) به خواست خدای تعالی بر آن گونه که واقفان (سید کریمی، نگاهی به دو وقفنامه حاجیه خاتم تاج ماه بیگم، خاجه مرجان و صوفیان، ص ۳۱۱) به این‌بابویه ترجمه نم لا یحضره الفقیه، ج ۶، ص ۹۶.) از طرف دیگر،سواس استفاده از وقف و تخلی از وقفنامه به هیچ‌وجه جایز نیست. به‌طور نمونه رهبر معظم انقلاب در ارتباط با موقوفات امامزاده شاه عبدالعظیم حسنی این چنین بیان می‌کنند:

«لزم است با تدق و جدیت، به مراقبت و حراست از موقوفات و اموال و عایدات این آستان قدس اقدام کرده و آنها را در عمران و نگهداری این بارگاه مبارک و نیز احداث ابنیه

از گوشت قربانی طعام ساخته و به قانع و معتر بخوراند.

اقتصادی، در فرهنگ اصطلاحات اقتصادی اسلام به نام قناعت تعبیر شده است. رضایت به داشته‌ها به دور از هر گونه طمع و حرص، از مهم‌ترین فضایل اخلاقی در حوزه مصرف اقتصادی است؛ زیرا روحیه قناعت موجب می‌شود تا انسان با عفت نفس، به آنچه دارد بسنده کرده و برای چرب و نرم بیشتر، دست نیاز به سوی دیگران دراز نکند و دچار خفت و خواری سوال نشود؛ زیرا کسی که به اندک بسنده نکند، نه تنها به زیاد بسنده نخواهد کرد، بلکه همواره چشم به مال و ثروت دیگران داشته و برای کسب آن خود را به خواری و ذلت می‌اندازد؛ اما اگر به همان داشته‌های ولو اندک خویش بسنده کند، عزت نفس خویش را صیانت کرده و هر گز خوار و ذلیل نشود و حرص و طمع در او پیمیرد. در مطلب حاضر مفهوم قناعت و آثار آن تشریح شده و به این شبهه پاسخ داده شده که آیا قناعت با تلاش و کوشش بیشتر منافات دارد؟ * * *

قناعت در مصرف یا تولید؟!

قناعت از ریشه قاع در لغت، بسنده کردن به اندک از امور دنیایی است که مورد نیاز انسان باشد.(مفردات الفاظ قرآن کریم، راجع اسفزاری، ص ۶۸۵، قنغ. قناعت در اصطلاح علم اخلاقی، ملکی‌ا نفسانی است

معارف

Maaref@Kayhan.ir

دیگر سال چیزی نداشته باشد و چنین روحیه و رویه‌ای نادرست است؛ زیرا بدون پیش‌بینی آینده و در نظر گرفتن آن، مصرف همه محصولات و تولیدات می‌تواند مشکلاتی را در آینده موجب شود.

نکته مهم اینکه قناعت هیچ‌گاه به معنی تنبلی و مسئولیت‌گریزی نیست بلکه به تعبیری، در مصرف و زندگی‌ای خود را به اندازه گلیم خویش دراز کردن و چشم نداشتن به مال و ثروت دیگران است، اما در عین داشتن چنین روحیه‌ای، انسان باید همواره برای زندگی و رفاه بهتر – در چارچوب عقل و شرع – تلاش کند.

بر اساس آیات و روایات، کسی که بخواهد سبک زندگی خویش را بر اساس اصول و مقررات اسلامی ساماندهی کند و حیات طیب داشته باشد، می‌بایست در زندگی قناعت کند(نحل، آیه ۹۷)؛ زیرا از پیامبر(صلی‌الله علیه و‌آله) درباره آیه: فلنحییته حیوة طَیِّبه پرسش شد، حضرت فرمود: آن قناعت و رضایت به تقسیم روزی از جانب خداوند است. (مجمع البیان، ج ۶، ۵، ص ۵۹۲؛ الکشاف، ج ۲، ص ۶۲۳)

زبان به اعتراض می‌گشاید معتز گفته شده است.

علامه طباطبایی در المیزان نوشته است: قانع فقیری است که به آنچه داده‌ای قناعت کند، خواه سؤال کند یا نه، اما معتز آن است که پیش تو آمده و تو را قصد کرده است، کافی از امام صادق(ع) در ضمن حدیثی نقل کرده

امام سجاد علیه السلام

هر کس به آنچه خدا به او داده است، قناعت کند

از بی‌نیازترین مردم می‌باشد...

منبع:بحار الأنوار جلد۶۶ صفحه ۴۰۲و۴۸



همچنین امیرمومنان(ع) در تفسیر حیات طیب آن را قناعت دانسته است؛ آن حضرت در پاسخ به پرسش از آیه فلنحییته حیاة طَیِّبه، فرمود: هی، القنَاعَةُ؛ مقصود، قناعت است. (نهج البلاغه، الحکمة ۲۲۹)

امیرمومنان علی(ع) نیز در این‌باره می‌فرماید: أُطِیْبَ الغَیْشُ القنَاعَةُ؛خوش‌ترین زندگی، زندگی با قناعت است. (تصنیف غررالحکم و دررالکلم ص ۳۹۱، ج ۸۹۸۲) پس اوج حیات طیب همان زندگی آکنده با قناعت در مصرف است که انسان را از اسراف و تبذیر و نیز درخواست از دیگران به دور می‌کند.

از نظر قرآن، بهترین سبک زندگی اقتصادی این است که انسان باید در تولید بسیار فعال و پرکار و پر تلاش وارد شود تا بیشترین تولیدات از جمله در حوزه کشاورزی و امنیت غذایی داشته باشد؛ اما در مصرف مواد غذایی می‌بایست تعادل را در نظر گیرد و هرگز اسراف و تبذیر نکند، بلکه در حوزه مصرف، به اندک آن بسنده نماید تا بخشی را برای آینده ذخیره کند

در امان نگه می‌دارد و عفت و عزت انسان را حفظ می‌کند و از ذلت و خواری دور می‌سازد. این قناعت نسبت به قسمت روزی برای آن است که انسان حسادت نسبت به روزی دیگری نداشته باشد یا حرص و طمع از خود نشان دهد؛ یا جوع و فرغ نکند؛ زیرا کسی که به قسمت خویش قانع و راضی نباشد، خود را به آب و آتش می‌زند و گرفتاری‌های زیادی را برای خود و دیگران ایجاد می‌کند. بر این اساس می‌توان گفت که روحیه قناعت و رویه

به مناسبت ۲۷ صفر روز وقف

برکات مادی و معنوی وقف

دهه آخر صفر را به نام «دهه وقف» نامیده‌اند. بیست‌وهفتم ماه صفر در تقویم رسمی کشور به نام روز وقف نامیده شده است.بیست‌وهفتم صفر مناسبت‌ترین روز برای وقف است زیرا روز بعداز آن یعنی بیست‌وهشتم صفر رحلت پیامبر(ص) (اولین واقف) و شهادت امام حسن مجتبی(ع) (اولین متولی موقوفات امیرالمؤمنین(ع)) است. اگر قرار باشد روزی در سال به نام «روز وقف» نامیده شود، چه روزی مناسب‌تر

امامزادگان و تأمین مخرج آنها.

و نبایش خلاصه نمی‌شود، بلکه از نظر مالی نیز وظیفه الهی خود را انجام و سهمی از مال خود را به محرومان و درماندگان مستضعین به کار گرفته و از هر گونه سواس‌اندازی یا معانت فرماید (خامنه‌ای، سیدعلی، مکتوبات، سال ۱۳۹۶، ص ۷، حکم انتصاب حجت‌الاسلام و المسلمین محمد محمدی‌ری شهری به سمت تولیت آستان مقدس حضرت عبدالعظیم، ۱۳۶۰/۱۲)
آثار و برکات وقف

انسان‌های خیراندیش در طول تاریخ همواره در صدد خدمت

لازم و انجام خدمات برای زائران و مجاوران و مردم شهری و گسترش معارف الهی‌بت و در خدمت به محرومین و مستضعین به کار گرفته و از هر گونه سواس‌اندازی یا معانت فرماید (خامنه‌ای، سیدعلی، مکتوبات، سال ۱۳۹۶، ص ۷، حکم انتصاب حجت‌الاسلام و المسلمین محمد محمدی‌ری شهری به سمت تولیت آستان مقدس حضرت عبدالعظیم، ۱۳۶۰/۱۲)
آثار و برکات وقف
انسان‌های خیراندیش در طول تاریخ همواره در صدد خدمت و نیش خلاصه نمی‌شود، بلکه از نظر مالی نیز وظیفه الهی خود را انجام و سهمی از مال خود را به محرومان و درماندگان اختصاص می‌دهند؛ چه بخواهند حقوق واجب چون خمس و زکات و چه بصورت ایثار و احسان چون صدقات، مال وقف و موقوفات، قرض‌الحسنه و اتفاق در امور خیر. مومنان کمک مالی به مستمندان را برای خود وظیفه اخلاقی و حق لازم می‌دانند و آن را به مقدار معین و با برنامه منظم و با رعایت اصول شرعی، جهت وقف‌ها و تأمین آسایش محرومان اختصاص می‌دهند (جمعی از نویسندگان، تعلیم قرآنی، ج ۶، ص ۵۳۵۲)
وقف یکی از راهکارهای از بین بردن فقر در جامعه و دلداری دادن فقرا و بی‌نویان است. وقف از مصادیق بارز کار خیر و از سنت‌هایی است که نفع آن عاید جامعه می‌شود. همواره بزرگان دینی جهت ریشه کن فقر در جامعه و برپایی شعارهای دینی، خیران را تشویق به این عمل خداپسندانه کرده و در کتب فقهی نیز فصلی را با عنوان «کتاب الوقف» به آن اختصاص داده‌اند. برخی از واقفان، هنگام وقف، فقرا و نیازمندان جامعه را مدنظر می‌گیرند و اموال خویش را وقف آنها می‌کنند. ممکن است وقف در قالب پرداخت مستمری به فقرا یا اطعام کردن و تهیه خوراک و پوشاک یا تهیه چیزی برای نیازمندان باشد. حتی ممکن است خانه‌ای برای سکونت بی‌سربانان وقف شده باشد که برای مدت معینی در اختیار نیازمندان قرار داده شود. بنابراین، می‌توان گفت که وقف در کاهش فقر در جامعه و کاستن از فاصله طبقاتی جوامع نقش ایفا می‌کند.

۲. تعلیم شعار الهی
در آیه ۲۳ از سوره حج چنین آمده است: و هر کس شعار الهی را بزرگ دارد، این کار نشانه تقوای دل‌هاست. آیه تصریح دارد بر اینکه یکی از نشانه‌های تقوا، بزرگداشت شعار الهی است. برخی از واقفان، مال خویش را در راستای تعلیم شعار دینی وقف کرده‌اند و این نشان از تقوای چنین واقفانی دارد. برخی از نمونه‌های آن عبارت است از وقف مال برای:
عزادری امام حسین(ع)، ساخت مسجد، حسینیه‌ها و حوزه‌های علمیه، تأمین هزینه حجاج و زائران حرم ائمه، هزینه ساخت حرم

قناعت هیچ‌گاه به معنی تنبلی و مسئولیت‌گریزی نیست بلکه به تعبیری، در مصرف و زندگی پای خود را به اندازه گلیم خویش دراز کردن و چشم نداشتن به مال و ثروت دیگران است، اما در عین داشتن چنین روحیه‌ای، انسان باید همواره برای زندگی و رفاه بهتر – در چارچوب عقل و شرع – تلاش کند.

کسی که روحیه و رویه قناعت در مصرف را داشته باشد، به آسانی می‌تواند از انواع مشکلات عبور کند و شرایط سخت آینده را کمی برای خویش آسان کند و اینگونه از احتمال گرسنگی در امان ماند و تحریم و خشکسالی و قحطی و مانند آنها نتواند او را از پا در آورد، بلکه با استواری می‌تواند از همه آنها به آسانی عبور کند.

صرفه‌جویی، راهی درست برای گرفتار نشدن به گرسنگی و کمبودها، هنگام پیش‌آمدهای ناگوار است.(یوسف، آیات ۴۷ و ۴۸) این امر به‌ویژه در دوره‌های سختی چون خشکسالی و قحطی و مانند آنها نتواند او را از پا درآورد، بلکه با استواری می‌تواند از همه آنها به آسانی عبور کند. (یوسف، آیات ۴۷ و ۴۸)
امیرمومنان علی(ع) در این‌باره می‌فرماید: مَنِ اعْتَصَرَ غَیَ لِبَلْفَةِ الْکَافِیْ فَقَدْ انْتَضَمَ الرِّاحَةُ وَ نَبَتْأَ خُفْضُ الدَّعَاةِ؛ هر کس به مقدار قناعت، قناعت کند، آسایش می‌یابد و برای خویش زمینه گشایش فراهم می‌کند.(کافی، ج ۸، ص ۱۹-؛نهج البلاغه، صبحی صالح، ص ۵۴۰، حکمت ۳۷۱)
پس دستیابی به آرامش و راحتی در زندگی در گرو قناعت است و کسی که قانع باشد، آینده اقتصادی خویش را تضمین کرده است.

امیرمومنان(ع) قناعت را مال بی‌پایان و بی‌نیازی و غنای واقعی دانسته است. در حدیث دیگری قناعت را پادشاهی می‌داند و می‌فرماید: قناعت، پادشاهی است و خوش‌اخلاقی، نعمت!

و این‌گونه از احتمال گرسنگی در امان ماند و تحریم و خشکسالی و قحطی و مانند آنها نتواند او را از پا درآورد، بلکه با استواری می‌تواند از همه آنها به آسانی عبور کند. (یوسف، آیات ۴۷ و ۴۸)
امیرمومنان علی(ع) در این‌باره می‌فرماید: مَنِ اعْتَصَرَ غَیَ لِبَلْفَةِ الْکَافِیْ فَقَدْ انْتَضَمَ الرِّاحَةُ وَ نَبَتْأَ خُفْضُ الدَّعَاةِ؛ هر کس به مقدار قناعت، قناعت کند، آسایش می‌یابد و برای خویش زمینه گشایش فراهم می‌کند.(کافی، ج ۸، ص ۱۹-؛نهج البلاغه، صبحی صالح، ص ۵۴۰، حکمت ۳۷۱)
پس دستیابی به آرامش و راحتی در زندگی در گرو قناعت است و کسی که قانع باشد، آینده اقتصادی خویش را تضمین کرده است.

انسان مومن می‌بایست در دنیا قناعت در مصرف را سرلوحه زندگی خویش کند؛ زیرا این‌گونه است که انسان بهترین زندگی را در دنیا تجربه خواهد کرد؛ زیرا امیرمومنان علی(ع) می‌فرماید: مَا أَحْسَنَ بِالْإِنْسَانِ أَنْ یَتَقَنَّ الْبَقْلِیْلَ وَ یَجُودَ بِالْجَزْلِیْلِ؛ چه زیباست برای انسان که به اندک بسازد و فراوان ببخشد! (غزرالحکم، شمار حدیث ۹۶۶۰)

افسدا قناعت به معنای فقدان عزت و گرفتاری در ذلت و خواری است که انسان را بدبخت می‌کند؛ از همین رو امام علی(ع) می‌فرماید: مَنْ عَبَّرَ النَّفْسَ لِرُومِ النِّقَاطَةِ؛ پابندینی به قناعت، از عزت نفس است. (غزرالحکم، شمار حدیث ۹۴۵۲)

برخی گمان می‌کنند که ثروت همان بی‌نیازی است، در حالی که قناعت همان بی‌نیازی و غنای واقعی است؛ چرا که در روایت است: خداوند متعال به داوود(ع) وحی کرد: وَضَعْتُ الْغِنَى فِی الْقِنَاعَةِ وَ هُمْ یَلْبِثُونَهُ فِی کُنُوزِ الْعَالِ؛ فلا یُحْیِیْوْنَهُ؛ من توأکسری را در قناعت نهاده‌ام، اما مردم آن را در فراوانی مالی می‌جویند؛ از این رو نمی‌پایندش. (بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۵۸۳، حدیث ۲۱)
بر همین اساس است که امیرمومنان(ع) قناعت را مال بی‌پایان(کنزالعمال، شماره حدیث ۷۰۸۰) و بی‌نیازی و غنای واقعی دانسته است. (غزرالحکم، شماره حدیث ۹۴۵۲)
در حدیث دیگری قناعت را پادشاهی می‌داند: می‌فرماید: کَفَى بِالْقِنَاعَةِ مَلْکًا وَ بَحْسَنَ الْخَلْقِ نِعْمًا؛ قناعت، پادشاهی است و خوش‌اخلاقی، نعمت!

مصادقی از صدقه جاریه است. تا زمانی که شیء وقف‌شده باقی، واقف ماجور است. خوشبختانه این سنت، تا حدی به فرهنگ تبدیل شده است و اشخاص زمین، کتاب‌اشیا و... را وقف عام یا خاص می‌کنند.
وقف از سنت‌های ارزشمند از زمان‌های قدیم تاکنون است. وقف معاهدای است که شخص مال و ثروت فلانپذیر خویش را به رحمت و مغفرت الهی ببوند می‌زند تا زمانی که مال موقوفه باقی باشد، وقف از ثمرات و برکات آن بهره‌

معنوی می‌برد.
از برکات موقوفه وقف، ثواب و پاداش معنوی و اخروی وقف‌کننده است. با مرگ، دست انسان از اموال و دارایی‌های خویش کوتاه می‌شود و هیچ حقی نسبت به آنها ندارد. کسی که اموال خود را وقف می‌کند، به آن رنگ و بوی الهی می‌دهد تا وقتی که وقف پابرجاست، سود معنوی آن نصیب واقف می‌شود. وقف یکی از حسنات باقیه و جاریه است که با مرگ از بین نمی‌رود.به عبارت دیگر وقف، فانی را باقی می‌کند.

امام صادق(ع) می‌فرماید: شش چیز است که پس از وفات مومن به او می‌رسد: فرزندی که برای او طلب آمرزش کند، کتاب یا قرآنی که پس از او به جای ماند، نهالیه که آن را برنشانند، جاهیه– که برای بهره بردن مردم از آبش – آن را احقر کنند، صدقه‌ای که آن را جریان بخشد و سنتی که پس از او به کار گرفته شود. (محمدبن‌علی ابن‌بابویه، ترجمه نم لا یحضره الفقیه، ج ۶، ص ۱۱۱-۱۱۲)
در کلام امام، صدقه‌ای که آن را جریان بخشد، آمده است. یکی از مصادیق بارز صدقات جاریه وقف است.

۴. تقویت دینداری اشخاص

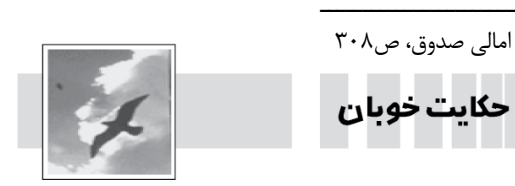
از برکات معنوی دیگر وقف، تقویت بنیه دینی افراد جامعه است. در نظر بگیرید شخص مستمندی دچار بیماری شده و احتیاج به بستری شدن و درمان دارد. این شخص به خاطر عدم تمکن مالی، در یکی از بیمارستان‌های که وقف فقرا شده است، بستری می‌شود. بیمار پس از بهبودی خود را مدیون واقف می‌داند و خوانخواه و به طور غیرارادی، تمایل به امور معنوی و الهی پیدا می‌کند. در اموالی که برای تهیه نیازهای مستمندان وقف، خوراک و پوشاک یا علم‌آموزی یا تهیه چیزیه به نیازمندان داده شده‌اند، اوضاع به همین منوال است زیرا که قلب انسان‌ها به کسی که به آنها نیکی کرده است، تمایل پیدا می‌کند.

چراغ راه

وجوب امر به معروف و نهی از منکر و آثار ترک آن

قال النبی(ص):«لتامرن بالمعروف و لتنهن عن المنکر،وایلسلطن الله علیکم شرارکم فیدعو خیارکم فلاستجاب لکم»

پیامبر گرامی اسلام(ص) فرمود: باید امر به معروف و نهی از منکر کنید، در غیر این صورت خداوند متعال بدان شما را بر شما مسلط می‌کند و آن وقت خوابان شما دعا می‌کنند که این شر از آنها گرفته بشود. و این دعا مستجاب نمی‌شود.^(۱)



۱- امالی صدوق، ص ۳۰۸

حکایت خوبان

پیامبر گرامی اسلام (ص) فرمود:چگونه دعا می‌کنی مسلمان

هستی، در حالی که مردم از دست تو سالم نیستند؟ و چگونه خود را مومن می‌دانی در حالی که مردم از تو در امان نیستند؟ و چگونه گمان می‌کنی دارای تقوی هستی در حالی که مردم از آزار و اذیت تو اجتناب می‌کنند؟ کسی که ادعا کند دوست ما است، ولی به گفتار ما عمل نکند، از ما نیست و ما نیز از او نیستیم.^(۱)

۱- ارشادالقولب دیلمی، ص ۲۷۴



فساوت قلب و راهکارهای درمان آن(۲)

پرسش: قساوت قلب چیست و چه عواملی موجب می‌شود انسان به این رذیله اخلاقی دچار شود؟ راهکارهای درمان و علاج آن کدام است؟ پاسخ:

در بخش نخست پاسخ به این سؤال به مفهوم قساوت و رفت و عوامل قساوت قلب شامل: ۱- گناه ۲- غفلت ۳- طول آرزو ۴- کثرت مال‌اندوزی پرداختیم. اینک در بخش پایانی دنباله مطلب را پی می‌گیریم.

راهکارهای درمان قساوت قلب
مرحوم نراقی در جامع‌السادعات می‌فرماید: «**هر کسی به قساوت قلب و سخت‌انگیزی مبتلا شود و بخواهد آن را از دل برطرف کند و از طرفی بخواهد رقت و رحمت را در دل زنده کند، این کار در نهایت صوبت و مشکی است. به جهت اینکه قساوت در دل یک طبیعت ثلوی به وجود می‌آورد و انسان به آسانی نمی‌تواند این حالت زشت را ترک گوید.**» یعنی اینکه انسان به عنوان پیشگیری خیلی باید مراقب باشد که به این حالت قساوت و سبیت و درندگی نرسد، چون اگر مبتلا شد درمان و معالجه آن بسیار مشکل است، نه اینکه محال و غیرممکن باشد، ولی در نهایت دشواری و سختی است. اما راهکارهای درمان و معالجه معمولاً در دو عرصه انجام می‌گیرد:
۱- عرصه نظری و علمی
۲- عرصه عملی و رفتاری

الف) عرصه نظری و علمی

۱- از نظر علمی به عواملی که منشأ قساوت قلب می‌باشد توجه کند مانند: غفلت و ثروت‌اندوزی و حسدالبناء و... و تلاش و مراقبت نماید که از تاثیرگذاری این عوامل کمترین آسیب را ببیند و با علل و اسباب دیگری مانند: کثرت یاد خدا، یاد مرگ و بهره‌یز از زمینه‌ها و بسترهای گناه و مقابله با هواهای نفسانی جلوی عوامل تاثیرگذار بر قساوت قلب را بگیرد.

۲- توجه به آثار قساوت قلب که در چه ابعادی حیات فردی و اجتماعی انسان را متاثر کرده و انسان را تبدیل به یک حیوان درنده‌خو و بی‌رحم و سفاک می‌کند. ریشه تمامی جنایت‌های هولناک بشری که در گذشته و حال اتفاق افتاده توسط چنین انسان‌های قسبی‌القلب بوده و در آینده نیز چنین خواهد بود. همچنین توجه به آثار زیبایی رحمت، رافت و مهربانی و نرمی که ضد قساوت‌هاست در حیات فردی و اجتماعی انسان توجه کند. آری ملکات انسان از نظر علمی چنین است تا موقعی که در روح و روان انسان هستند و هنوز به عمل خارجی تبدیل نشده‌اند، اگر انسان آنها را ترک کند کم‌کم به زوال می‌روند و از روح انسان محو می‌شوند.

ب) راهکارهای علمی و رفتاری
تمام اعمال فردی و رفتاری که در نقطه مقابل قساوت یعنی رقت و رحمت است انجام بدهد. مانند: دستگیری از نیازمندان و کمک به همنوعان و معاونت در امور خیر و انجام کارهای باقیات صالحات. امام صادق(ع) می‌فرماید: بر مسلمان‌ها سزاور است کوشش کنند در اینکه به هم نزدیک شوند و دل‌ها را به هم نزدیک کنند و برای اهل حاجت مواسات کنند و بعضی نسبت به برخی دیگر عطوفت و مهربانی کنند تا اینکه آن طور که خدای متعال امر کرده «رحما ببینهم» باشند. (الکافی، ج ۲، ص ۱۷۴) در روایتی دیگر از پیامبر(ص) آمده است که «لا یرحم الله من لا یرحم الناس» خداوند مهربانی و رحم نمی‌کند به کسی که به مردم رحم نمی‌کند. (مسندکرک السوایلی، ج ۹، ص ۵۶)
در روایت دیگری از پیامبر اکرم(ص) آمده است که حضرت فرمود: «لراحمون یرحمهم الرحمن» خداوند که معدن رحمت است به کسانی که اهل رحمت هستند رحم می‌کند. «رحموا من فی الارض یرحمکم من فی السماء» به کسانی که در زمین هستند، مهربانی و ترجم کنید و رقت و رافت داشته باشید، آن موجودی که در آسمان (جهت علی) است به شما رحم می‌کند. (همان، ص ۵۵)

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

نتیجه‌گیری و جمع‌بندی بحث این است که جهت درمان و معالجه قساوت قلب در دو عرصه باید عمل کرد- ۱- عرصه نظری و علمی که توجه به عواملی و منشأ قساوت قلب و آثار آن در حیات فردی و اجتماعی و همچنین توجه به عوامل و منشا رقت قلب و آثار و برکات آن در ابعاد مختلف زندگی می‌باشد.
۲- عرصه عملی و رفتاری که انجام رفتاری‌هایی است که در نقطه مقابل قساوت یعنی رقت و رحمت شامل: کمک به نیازمندان و همنوعان، مشارکت در امور خیر و انجام کارهای باقیات و صالحات که دل‌های انسان‌ها را نسبت به یکدیگر مهربان می‌کند می‌باشد.



سلوک عارفانه

مفهوم جهاد با نفس

و ضرورت تعلیم و تعلم علم اخلاق

(بدان ای سالک راه خدا) «جهاد نفس که جهاد بزرگ است. عبارت

است از غلبه کردن انسان بر قوای ظاهره خود و آنها را تحت فرمان خالق قرار دادن و مملکت را از لوث وجود قوای شیطانی و جنون آن خالی نمودن است»^(۱)

۱- شرح چهل حدیث، امام‌خامنه‌ی (ره)، ص ۶
۲- صیغه امام، ج ۲، ص ۴۲۶

صفحه معارف روز های: شنبه ،یک‌شنبه
سه‌شنبه و پنج‌شنبه منتشر می‌شود
تلفن‌های مستقیم: ۳۳۹۶۱۹۹۱ – ۳۵۲۰۳۲۲۱
Maaref@kayhan.ir

صفحه ۷

یک‌شنبه ۲۰ مهر ۱۳۹۹

۲۳ صفر ۱۴۴۲ – شماره ۲۲۵۸۴